

دستور آشپزی من

## غذایی چوبی خوش آشنا

امیر رازی

وقتی می خواهید با کسی طرح دوستی ببریزید، وقتی به فکر این می افتد که «اشنا» ساده و اندیشه انان را به یک دوستی عقیق بدل کنید، وقتی می انتسابات عصون و دمدمی شما را در طبع خام می اندازد که از سلام و علیک خوش و رسماً، به رفاقت پرورت و آمد دست پدا کنید، وقتی در صدد آن برمی آید که رشت دوستی اندیشه انان را به شرط عطا فعالی گردد بزنید و... چه تمیزی به کار ببرید و چه مکر و حله ای طرح ریزی می کنید تا «شکار» از دام نگریزد و اماهی «از حلقه های تور در نزود؟ گفت: در پاس فنده ام چو ماهی / باشد که مراء بشست کیر، اما شما اگر صیاد شاشی، به قلاب و شست خود، چه طعمه ای خواهید زد؟ شاید بگوید کتاب، که نیکطعمه ای است برای پرقری ارتیاط و استحکام پیوندهای دوستانه. کسی از کتاب هدیه دادن و کتاب هدیه گرفن ضرر که نکرده هیچ، بسیار سود فراوان برد، اما خوب یاد این



هدیه «لو» رفتاره ای آن است که کسی را وسوسه کند که دیواره ای فاصله را بشکند و روابط رسمی به پیوندی صمیمه برسد. همه می بسیار کتاب داده ایم و بسیار کتاب گرفته ایم، اما کتاب، ماهیتاً به گونه ای است که راه رسیدن به مقصد را سیار طولانی تر از آنچه باید، می کند و گاهی حتی خودش آدم های معمولی را رسید. چه بسیار آدم ها که اصلاً اهل کتاب خواندن نیستند و شما این هدیه، نه تنها یخچان را آب نمی کنید، بلکه بیشتر به وادی رو در پایستی سوچشان می دهد و حتی معلمانشان می کنید. تازه کتاب سوئنچاهم برانگیز هم هست؛ ممکن است از شما چهرا و تصویری بسازد که بعد نیوایند تیغیش رهیش دهد. زیاد توضیح ندهم که «تو خود این اگر عاقل و زیرک باشی».

می شود قرار سینما رفتن و شتافت ماسا کردن و کافه ششتن و فوه خودن هم گذاشت که هم برای گذارنه و هم برای خواننده محظوظ این ستون محبوب است و نیازی به توضیح نیست. این قرار و مدارا علاوه بر هزار حسنی که دارند، معایب و خطراتی دارد که به حساب و کتاب آدم عاقل خوردنی آیند. پس چه باید کرد؟

در این ستون ما بنای «اشنا» داریم و محور هرچه می گوییم، غذا و آشپزی و طبع و مزه است. بنا بر این

محب و جه نیست که در پایان به پرسنی هم که ابتدای این سنتون طرح کردیم، عرض ننمی کردیم و بسیار بزرگی است که

نمی شود که در این سرو و سرات و عده گرفن فرقی است که

ششود با او سفره نشست و غذا خود را در صحت را

زیگ و طعم و شهو پخت شروع کرد و به شعر و غزل و حافظ و... ختم کرد. بگذریم. از من گفتن بود و از

شما شنیدن - یا که نشیدن. بی تردید، ره کس صلاح

کار خوشی بپری می شود... سایر کاری که در آن قادر

نیستند عرض اندام کنید، ممین بپری که کتاب بدهید

و عطر بخیرد، یا کافه بروید. اما غذا

آنستین باید بزیر بزیرد که با هم اس

پور می شود. چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟